رضا دهشیری

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر مهدی ناظمی، استاد مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

ظلم بزرگی به خود و منابع خدادادی‌مان کرده‌ایم

«حیات طیبه» در تهران ناممکن شده است

■ حسن فرامرزی

چالش‌های مدیریتی جامعه ما از کجا می‌آید؟ چرا گاهی این حس و دریافت را داریم که نوعی قدم‌زدن در اتاق تاریک و ندیدن مسئله در ابعاد واقعی آن بر ما چیره شده است؟ چرا گاهی برآوردمان این است که مدیریت در جامعه ما شکل روزمره به خود گرفته است و نمی‌تواند افق و چشم‌انداز واقع‌بینانه و درازمدتی برای جامعه تعریف کند. گفت‌وگوی ما با دکتر مهدی ناظمی، عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی و صاحبنظر در حوزه مطالعات مدیریت راهبردی به این موضوع می‌پردازد.

■■■

امروز چالش‌هایی در جامعه ایران وجود دارد که به نظر می‌رسد دست‌کم بخشی از آنها در این چهاردهه‌واندی کهنه و ناسور شده‌اند. با چه رهیافت و زاویه دیدی می‌توان به این مسئله نگاه کرد؟

انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۷ به نتیجه رسید، قاعدتاً انتظار این است در حوزه حاکمیت و اداره جامعه تحول ایجاد کند. این انقلاب در اولین مرحله پیروزی خود نظام سیاسی موجود را از نظام شاهنشاهی و استبدادی به نظام جمهوری اسلامی تغییر داد. این اساسی‌ترین و اصلی‌ترین مرحله از پیروزی انقلاب اسلامی بود. توجه کنید که تمایز نظام استبدادی و نظام جمهوری اسلامی در تمرکز اختیارات است، چون نظام استبدادی به دنبال آن است که اختیارات تصمیم‌گیری را کاملاً در تمرکز شخص و گروهی خاص متمرکز نگه دارد. معنای دیگر تمرکز اختیارات این است که اختیارات از عموم مردم سلب و در یک مجموعه اداری متمرکز و بسته به گرو گرفته شده است.

...

تمرکززدایی در قدرت و واگذاری آن به مردم است، محقق خواهد شد و در نتیجه به تعمیق انقلاب منجر خواهد شد. خب وقتی به بینش حضرت امام هم مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم آنجا هم چنین اندیشه‌ای حاکم است و حضرت امام به صراحت می‌فرمایند، ما باید کارها را به مردم واگذار کنیم تا آنجا که مقدور نباشد، یعنی فقط کارهایی باید مستثنی شود که صرفاً در نظام اداری و مدیریتی کشور قابل انجام است.

در واقع شما می‌گویید خط‌مشی رهبران انقلاب رفع انسدادها در مسیر مشارکت مردم در فضای مدیریتی کشور است. سؤال این است که چرا همچنان با موانعی در این باره مواجه هستیم؟

اگر امروز مشکلاتی در مدیریت کلان یا مدیریت راهبردی کشور به چشم می‌آید، به خاطر آن است که سال‌ها سیاست‌های اصلی و محوری جمهوری اسلامی به طور مؤثر دنبال نشده است. در طول ۴۰ سال گذشته از زمانی که دایره اختیارت باید توزیع می‌شد و مردم را در انجام امور عمومی کشور مشارکت می‌دادیم، این کار به خوبی انجام نشد، البته نمی‌توانیم و منصفانه نیست که بگوییم اصلاً! چون در این مدت کارهای خوبی در همین زمینه انجام شده است، اما اینکه

...

عمل کرده است. امروز می‌بینید که کشور به رغم دشمنی‌های آشکار استکبار و رقبای فراوان منطقه‌ای خود توانسته است جایگاه خود را در نظام جهانی تحکیم و تثبیت کند و همه حتی دشمنان ما اذعان دارند که ایران یک قدرت و بازیگر فعال در منطقه و جهان است و کنشگرانه بر معادلات مهم بین‌المللی تأثیر گذاشته است. توجه کنید که این توفیقات در شرایطی به دست آمده که تمدن غربی از همه ابزارهای خود برای مهار انقلاب اسلامی استفاده کرده است، چون تمدن حاکم امروز و نوع نگاه این تمدن به انسان، خاستگاه، مبدأ و مقصد او به هیچ عنوان نمی‌تواند با انقلاب اسلامی کنار بیاید و وقتی از این زاویه به موضوع نگاه کنیم، می‌بینیم مدیریت راهبردی کشور در عرصه‌های مختلف به پیروزی‌های فوق‌العاده‌ای رسیده است. کافی است دوره دفاع مقدس را در ذهن‌مان مرور کنیم که نه عراق بلکه امریکا و اروپا و به نوعی همه جهان علیه مردم و انقلاب ما صف‌آرایی کرده بودند و به کمتر از نابودی جمهوری اسلامی و مردم ایران راضی نبودند، اما درخشش مدیریت راهبردی حضرت امام در همین دوره باعث شد جبهه دشمن وادار به شکست‌های سنگین شود و دشمن نتواند به اهداف خود برسد، با این حال وقتی از مدیریت راهبردی به سمت مدیریت کلان کشور حرکت می‌کنیم، می‌بینیم بخش زیادی از

> امسال هفتمین برنامه توسعه از سوی نماینده‌های مجلس تصویب شد. قاعدتاً این برنامه باید هفتمین زنجیره برنامه‌های کشور و مکمل برنامه ششم توسعه باشد، همچنان که بر این اساس برنامه ششم توسعه باید مکمل برنامه پنجم باشد اما وقتی ما به گواهی آمار و اطلاعات و مدارک نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در عمل زنجیره‌ای شکل نگرفته است و این برنامه‌ها همدیگر را همپوشانی نمی‌کنند

مشخص کرد. ایشان با نظریه ولایه فقیه مشخص کرد دو رکن جمهوریت و اسلامیت پایه‌های این انقلاب هستند، بنابراین این نظام کلان سیاسی باید بتواند زیرنظام‌های متناسب و سازگار با خود را ایجاد کند.

طراحی و اجرای این زیرنظام‌ها به چه صورت میسر است؟

مثال می‌زنم. وقتی ما بتوانیم در نظام اقتصادی کشور مهندسی مجدد داشته باشیم و این نظام اقتصادی به گونه‌ای عمل کند که اهداف نظام جمهوری اسلامی را در سامانه‌ها و عملکرد خود به

...

چندانی با نظام جمهوری اسلامی نخواهد داشت، بنابراین اولین قدم این است که ما در نظامات موجود تحول ایجاد کنیم. شما به عنوان نمونه به نظام آموزش‌وپرورش ما نگاه کنید که در این ۴۰ سال بهبودی‌های نسبی و روبنایی را تجربه کرده اما آن تحول اساسی متناسب با زیرساخت‌های نظری و معرفتی در جمهوری اسلامی در

> آمایش یعنی ما به این سمت برویم که کجای کار هستیم. نقشه یعنی ببینیم کجا ایستاده‌ایم. ما اول باید شفاف و روشن ببینیم و اگر قبل از اینکه شفاف ببینیم، دست به کار شویم، آشفتگی‌هایی را در حوزه فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست‌مان پدید می‌آوریم که گریزناپذیر است و نماد این دیدن، همان تهیه نقشه‌های آمایش مراکز علمی است، نماد این دیدن، تهیه نقشه‌های آمایش مراکز اقتصادی ماست، نماد این دیدن، تدارک نقشه‌های آمایش منابع طبیعی ماست

...

جغرافیا، اقلیم و محصولی که در منطقه‌شان به عمل می‌آید. خداوند نخلستان‌های باشکوه و زیبایی را در منطقه جنوب ما پدید آورده است. محصول خرما به این منطقه تعلق دارد، خب آموزش عالی ما چرا در برنامه‌ریزی‌های خود به این مسئله بی‌توجه است و هزاران نوع از این مثال را درباره ساحت‌های دیگر می‌توان طرح کرد.

...

> امروز به ریخت و قیافه تهران و نوع روابط ما شهروندان باهم در این کلانشهر نگاه کنید. آیا این تهران و روابط و آدم‌هایش جلوه‌ای از تمدن غرب نیست؟ شهرسازی ما کاملاً مبتنی بر نظریه‌های تمدنی غرب است. خوشبختانه اخیراً جریان‌ها و نظریه‌هایی در حال شکل‌گیری هستند که در جهت مقابله با این هژمونی عمل می‌کنند، با این حال شما امروز در روند برنامه‌ریزی شهری ما می‌بینید که برای اکثر مدیران و کارشناسان شهرسازی و مسکن این طور جا افتاده است که انبوه‌سازی و مرتفع‌سازی جزو بدیهیات شهرسازی است

> وقتی در بیرون به یک شهروند، به یک همشهری، به یک تهرانی سلام می‌دهید، با چشم‌های گردشده به شما نگاه می‌کند، طوری که انگار شما ضعف حافظه گرفته‌اید یا دچار اختلالات روانی هستید که به یک غریبه سلام کرده‌اید، در حالی که به ما به عنوان مسلمان سفارش شده است وقتی به همدیگر می‌رسید، سلام بدهید، البته سلام‌دادن مستحب است، اما جواب سلام واجب ولی می‌بینید که حتی در همین سلام ساده هم چقدر با روح فطری حیات طیبه بیگانه و منفک شده‌ایم

> متأسفانه از منابع انسانی و طبیعی خدادادی در کشور که در دنیا کم‌نظیر است، از جوان‌های‌مان و به شکل خلاصه از ذخایر تمدنی خود به درستی استفاده نکرده‌ایم. وقتی از ذخایر تمدنی سخن می‌گوییم، منظور ماحصل و تأثیر حضور همه انسان‌هایی است که در گذشته این جغرافیا و تاریخ زندگی می‌کرده‌اند و به تدریج تمدن ایرانی - اسلامی را ساخته و پرداخته‌اند

است که ما کلان‌نگر نیستیم.

چرا کلان‌نگر نیستیم؟

حتماً سوابق و ریشه‌های تاریخی دارد که می‌توانیم به آن ریشه‌ها مراجعه کنیم. ما میراث‌دار یک نظام فکری از گذشته هستیم که بر رفتارهای ما اثر می‌گذارد، البته تحت تأثیر تمدن خردنگر و جزءنگر

...

وقتی ما آن دید توحیدی را عیار قرار دهیم، برتری ظاهری این تمدن کنار خواهد رفت و آن هیمنه فرو خواهد ریخت؛ تمدنی که خون انسان‌های مؤمن و بی‌گناه را می‌ریزد و به حقوق انسان‌ها تجاوز و آنها را بر اساس اعتقاد و نژاد طبقه‌بندی می‌کند، در واقع دارد گور خودش را می‌کند.

> ما چه ظلم بزرگی به خود و نعمات الهی کرده‌ایم که در سال‌های گذشته از منابع خود آن گونه که شایسته است، بهره‌برداری نکرده‌ایم. آن وقت رفتار نیاکان ما با آب را ببینید و آن را در برابر رفتار ما در برابر طبیعت قرار دهید. اینکه پدران ما در این سرزمین چطور با خلاقیت شگفت، قنات‌هایی را پدید می‌آوردند که در محدودترین مناطق ما از حیث برخورداری از نزولات جوی می‌توانست بر چالش‌های زیست‌محیطی غلبه کند

نرم‌افزار این منطق کجاست؟

تمدن غربی این نگاه و این منطق قدرت را از علوم انسانی خود می‌گیرد. علوم انسانی غرب هیچ ابایی ندارد که انسان را حیوان ببیند. ممکن است بپرسید چرا ما نیز گاهی با همین منطق پیش می‌رویم و در نگاه کلان ما همان نگاه مادی وجود دارد. علت این

...

برای عامه مردم علوم مهندسی و پزشکی چشمگیر است، این علوم انسانی است که اقتدارآفرین است و شما در آموزش عالی غرب می‌بینید که تا چه اندازه به این مهم می‌پردازند، چون باید علوم انسانی باشد که نظریه بسازد و به نگاه شکل دهد تا در نهایت علوم مهندسی، پزشکی و نظایر آن در آن بستر حرکت کنند. تردیدی در

...